





تاریخ: ۱۳۸۸

شماره:

پست:

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره دادنامه: ۸۵۲

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۴/۷/۷

کلاس پرونده: ۳/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم زهرا ارداقی

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال تبصره ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات

سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۵

۲- ابطال برنامه سه ساله و نیز فرم برنامه و بودجه سه ساله ( منتهی به برنامه پنج ساله چهارم) سازمان

اوقاف و امور خیریه در خصوص اعمال حساب (۱۳ درصد وجوه مدیریتی اوقافی) موضوع بخشنامه شماره

۱۳۸۶/۱۲/۲۸-س/۱۴/۱/۳۲۸۶۹ سازمان اوقاف و امور خیریه

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و

اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۵ و ابطال برنامه سه ساله و نیز فرم برنامه و بودجه سه ساله

( منتهی به برنامه پنج ساله چهارم) سازمان اوقاف و امور خیریه در خصوص اعمال حساب (۱۳ درصد وجوه مدیریتی

اوقافی) موضوع بخشنامه شماره ۱۳۸۶/۱۲/۲۸-س/۱۴/۱/۳۲۸۶۹ سازمان اوقاف و امور خیریه را خواستار شده

و در جهت تبیین خواسته خویش اعلام کرده است که:

" سلام علیکم با احترام به استحضار می رساند:

تبصره ۱ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۵

مدير دفتر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

۹۰۰۰۰/۴۴۰/۱/۵

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

کناری

۹۴/۸/۲۴



تاریخ: ۱۳۸۸

شماره:

پیوست:

## فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

مقرر می دارد: «موارد استثنایی که درصدهای مندرج در این ماده (حق التولیه و حق النظاره) با توجه به وضعیت موقوفه متناسب و متعارف نباشد با تایید سرپرست سازمان کسر یا اضافه می شود.» تبصره ۲ ماده ۳۳: «در مواردی که سرپرست سازمان اعمال نظارت اشخاص یا ادارات حج و اوقاف و امور خیریه را در موقوفات غیر متصرفی ضروری تشخیص دهند، اجرت المثل حق النظاره را نیز متناسباً تعیین خواهند نمود.» سازمان اوقاف اقدام به تدوین برنامه ای سه ساله تحت عنوان «حق ۱۳ درصد مدیریتی» و در راستای آن بخشنامه شماره ۱۴/۱/۳۲۸۶۹/س-۱۳۸۶/۱۲/۲۸ با موضوع «نحوه اعمال حساب ۱۳ درصد مدیریتی اوقافی برنامه ۳ ساله» نموده است که به موجب آن سرفصل جدیدی در نحوه برداشت از موقوفات را تاسیس نموده اند. بدین صورت که علاوه بر برداشت «حق التولیه مندرج در وقف نامه ها یا اجرت المثل عمل از موقوفات فاقد وقف نامه (موضوع موقوفات مجهول التولیه یا فاقد متولی)» و «حق النظاره در موقوفات دارای متولی» ۱۳ درصد از عواید وصولی کل موقوفات را تحت عنوان (حساب ۱۳٪ مدیریتی) برداشت و در مصارفی که تعیین گردیده هزینه می نماید.

{ البته سازمان اوقاف علاوه بر بخشنامه فوق الذکر، مبادرت به تدوین فرمی تحت عنوان «فرم برنامه و بودجه سه ساله» با موضوع «موقوفات و امور خیریه» نموده که از جمله اهداف آن «ایجاد و بروز رسانی بانک اطلاعات موقوفات کشور در سامانه مرکزی سازمان (به شناسه هدف کمی ۱۰۱)، به روز رسانی موقوفات و انطباق کارکرد آنها متناسب با اهداف انقلاب اسلامی و در راستای سیاستهای نظام مقدس جمهوری اسلامی (به شناسه هدف کمی ۱۰۴)، برگزاری همایش سراسری و همایشهای تخصصی سالانه استانی با موضوع وقف و موقوفات (به شناسه هدف کمی ۱۰۷)، مدیریت مالی بر سرمایه های موقوفات ... (به شناسه هدف کمی ۱۱۰)، و بسیاری از نیت مجعول دیگر می باشد که اهداف و شیوه عملکرد مقرر در آن نیز، به هیچ وجه با نیت و نظرات واقفین تطابقی ندارد. }

به طور واضح این که مثلاً اگر در وقف نامه ای حق التولیه، ۱۰ درصد خالص عواید معین شده و اداره آن موقوفه بر

اساس بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۳ بر عهده آن سازمان

مهر و امضاء

مدیر دفتر هیئت عمومی  
دیوان عدالت اداری

۱۳۸۶/۴۴/۱۳۸۶

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پست:

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

باشد، سازمان اوقاف نه تنها ۱۰ درصد حق التولیه خویش را برداشت می نماید بلکه ۱۳ درصد از عواید کل موقوفه را نیز تحت عنوان ۱۳ درصد مدیریتی برداشت و به مصارفی که هیچ تطابقی با نظرات واقفین آن موقوفات ندارد می رساند که مجموعاً ۲۳ درصد از عواید موقوفه بدین صورت برداشت می شود و چنانچه موقوفه ای واجد متولی خاص بوده و برابر وقف نامه مثلاً ۱۰ درصد از عواید خالص موقوفه به عنوان حق التولیه متولی تعیین گردیده باشد در این مقام، سازمان اوقاف نیز ۴ درصد از عواید خالص موقوفه را به عنوان حق النظاره و ۱۳ درصد از عواید کل موقوفه را به عنوان حق مدیریتی اخذ می نماید.

با این فرض در موقوفات تحت تصدی و تولیت اوقاف، مجموعاً ۲۳ درصد از عواید موقوفات برداشت می شود (در صورتی که در وقف نامه حق التولیه از ۱۰ درصد بیشتر تعیین نشده باشد که اگر افزون تر باشد بیشتر برداشت می کند) و در موقوفات دارای متولی خاص، علاوه بر حق التولیه که توسط متولی برداشت می شود، سازمان مذکور ۱۷ درصد از عواید موقوفه را برداشت می کند (۱۳ درصد مدیریتی و ۴ درصد حق النظاره) که با این فرض جمعاً می شود ۲۷ درصد عواید.

تصویب تبصره ۱ و تبصره ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه در سال ۱۳۶۵ (در خصوص اضافه برداشت) و نیز بخشنامه اخیرالصدر، با هیچ یک از مبانی و اصول فقهی و قانونی تطابق ندارد بلکه در مباینت و تضاد کامل است چرا که با تورقی در متون فقهی و قانونی به این موضوع کاملاً اشرف می یابیم که در اینجا به شرح آن می پردازیم.

مبانی فقهی:

.....

.....

.....

[جهت مغایرت مصوبه مورد اعتراض با شرع مقدس اسلام به شورای نگهبان اعلام شده است]

برابر اصل است  
مدیر دفتر هیئت عمومی

دیوان عدالت اداری

خیابان بهشت (طبع جنوبی پارك شهر) دیوان عدالت اداری ۹۰۰۰۰/۲۴۰/۱۰/۵

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

### مبانی قانونی:

۱- ماده ۸۴ قانون مدنی: «جایز است واقف از منافع موقوفه، سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد متولی مستحق اجرت المثل عمل است.»

۲- ماده ۱۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۳: «حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی) همچنین حق النظاره ناظر، به میزان مقرر در وقف نامه است و در صورتی که وقف نامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد، حق التولیه به مقدار اجرت المثل از عایدات خالص خواهد بود.»

۳- ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون اوقاف مصوب سال ۱۳۶۵: «حق التولیه متولی و یا سازمان در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات، همچنین حق النظاره ناظر اعم از شخص یا سازمان، به میزان مقرر در وقف نامه خواهد بود و در صورتی که وقف نامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن معین نشده باشد، حق التولیه به مقدار اجرت المثل معادل ده درصد درآمد خالص سالیانه و حق النظاره به مقدار اجرت المثل معادل پنج درصد همان درآمد خواهد بود. {ضمناً با تصریح تبصره های ۱ و ۲ این ماده اصولاً دلیلی برای تدوین بخشنامه نبوده است وانگهی آنچه نیز در بخشنامه، مذکور گردیده است خلاف تبصره های ۱ و ۲ این ماده می باشد.}

در اینجا به بررسی جوانب مابینت بخشنامه و جداول استنادی با قواعد شرعی و قانونی می پردازد:

۱- در {فصل اول: کلیات، الف) مقدمه: مطلق موقوفات را مورد نظر قرار داده است، از این حیث که علاوه بر موقوفات فاقد متولی، موقوفات واجد متولی و موقوفات خاص را نیز در بر می گیرد که این موضوع در تعارض با اختیارات سازمان اوقاف و ماده ۴ قانون تشکیلات اوقاف بوده و مداخله در امور کلیه موقوفات می باشد.

۲- در {فصل اول: کلیات، ب) هدف: بند ۳} «دستیابی به اهداف و سند چشم انداز سازمان» مورد نظر است با دقت در موضوع در خواهیم یافت که منظور از دستیابی به چشم انداز، چیزی غیر از «تاویل رسالت مدیریت وقف» نخواهد

فهرست ضمیمه

مدیر دفتر تبلیغات اسلامی  
خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

مدیر دفتر تبلیغات اسلامی  
دیوان عدالت اداری

## فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

بود!!! آیا موقوفات و نیات واقفین باید با چشم انداز آن سازمان تطابق یابند یا آن که سازمان اوقاف، می بایست بر اساس مقررات شرعی و قانونی نسبت به اجرای نیات واقفین، کما قرهم، اقدام نماید؟؟ تصدیق خواهند فرمود که تشکیلات سازمان اوقاف، تکلیف و اختیاری جز اجرای نظرات واقفین، بنحو مقرره را نداشته و نه آن که بدو چشم انداز و برنامه ای را تعریف نمایند و موقوفات در قالب آن ریخته شوند، که با این توضیح یکی دیگر از تعارضات بخشنامه مذکور، با دلالت روایت «الوقوف علی حسب مایوقفها اهلها» ملموس خواهد بود.

۳- در {فصل اول: کلیات، ج} منظور: بند ۳} با توجه به این که یکی از اهداف برداشت حق ۱۳ درصد مدیریتی توسط سازمان اوقاف، پرداخت حقوق کارکنان و تامین کسر بودجه می باشد [چنانچه به نوع مصرف و هزینه کرد وجوه در تبصره بند ۶ و ۱۰ از قسمت ب دستورات اجرایی از فصل دوم اشاره گردید] لذا «ایجاد اطمینان خاطر همکاران، بویژه پرسنل قراردادی از نظر دستیابی به حقوق قانونی و بهبود امور رفاهی- خدماتی کارکنان» از جمله اهداف و منظورهای بخشنامه مذکور برشمرده شده است.

۴- {فصل دوم- اجرا: ب} دستورات اجرایی: بند ۳}: بسیار جالب است چرا که:

الف- اشاره شده «استانها در ابتدای هر سال ...» تعیین مبلغ ۱۳٪ در ابتدای هر سال!! بدین معنی است که:

اولاً: برای سازمان اوقاف، موقوفه دارای درآمد با موقوفه فاقد درآمد تفاوتی نمی کند چه بسا که کل درآمد موقوفه و مبلغ مصوب برآورد شده توسط آن سازمان، در یک میزان قرار بگیرد و موقوفه به درآمد پیش بینی شده، دست نیابد تا سازمان بخواهد ۱۳٪ آن را به عنوان «حق مدیریت» برداشت نماید.

ثانیاً: قید نموده اند: «بین موقوفات استان، تقسیم و تسهیم و ... بر اساس بند ۲، به حساب [هزینه قطعی] منظور نمایند» یعنی مسلوب المنفعه نمودن موقوفه و تعطیلی نیت واقف!!! برای مثال: چنانچه موقوفه ای برابر ماده ۱۹ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات اوقاف، هزینه اجرایی و عمرانی داشته باشد و تادیه آن هزینه ها، مستلزم عدم پرداخت وجوه ۱۳٪ مدیریتی و یا استفاده از آن و حتی استقراض باشد چگونه می تواند با تکلیف و اجباری که

دیوان عدالت اداری

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

بخشنامه مذکور نموده از پرداخت وجوه ۱۳٪ مدیریتی سرباز زند و یا این که از محل وجوه ۱۳٪ مدیریتی که در ابتدای سال از حساب موقوفه برداشت و به حسابی مشترک و غیر مرتبط واریز شده، جهت تادیه هزینه ها استفاده نماید؟؟ در حالی که { در فصل دوم اجرا: ب) دستورات اجرایی: انتهای بند ۳ } مبلغ ۱۳٪ به حساب « هزینه قطعی» و غیر قابل برگشت منظور گردیده است.

۵- با اوصاف مشروح در بند قبل، روشن خواهد شد که جدول ترسیمی در صدر صفحه نخست بخشنامه مورد بحث نیز، چه مفهومی را دربر دارد.

اولاً: ۱۳٪ از کل درآمد هر موقوفه ای را شامل گردیده نه خالص درآمد آن را، که در تعارض آشکار با ماده ۱۹ آیین نامه قانون اوقاف، در نحوه تعیین بودجه موقوفه است.

ثانیاً: چه ۵٪ ذخیره احتیاطی است که کلاً باید هزینه شود؟؟ آن هم در حالی که تمامی وجوه ۱۳٪ ماخوذه از موقوفات را بر اساس بند ۵ از قسمت ب در فصل دوم، به حسابی جداگانه واریز نموده اند؟ و چگونه می توان از وجوه متعلق به یک موقوفه، برای همان موقوفه استفاده نمود؟

ثالثاً: وجوه ۳٪ مدیریتی با ۵٪ برنامه های مدیریتی، چه تفاوتی دارد؟ در واقع هر دو عبارت اخیری هم می باشند که در بخشنامه تعریفی ندارد و به طور واضح، پایگاه و مبنای شرعی و قانونی « وصول مضاعف عنوانی واحد» بر اساس چه توجیهی خواهد بود؟؟ مثلاً موجر یک بار مال الاجراه بگیرد و مجدداً اجاره بها.

۶- در {فصل دوم- قسمت ب) بند ۶}: به مجوز برداشت و پرداخت حقوق کارکنان دارای مجوز به کارگیری از موقوفات، اشاره گردیده:

چگونه و با کدام اذن شرعی و قانونی وجوه ۱۳٪ مدیریتی از درآمد ۱۰۰ درصدی کل موقوفات را می توانیم برای پرداخت حقوق کارکنان اختصاص دهیم؟ [با در نظر داشتن جدول ترسیمی و سایر مفاد بخشنامه، که ذخیره احتیاطی موقوفات را نیز در آن قرار داده اند] آیا مشخص است آن کارمند، برای کدام موقوفه و به چه میزان عمل نموده تا

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

اجرت عمل وی، از محل همان موقوفه پرداخت شود؟ و یا این که برای سازمان اوقاف تفاوتی نمی کند و اجرت عمل آن کارمندان را از محل ۱۳٪ مدیریتی، که وجوه متعلق به تمام موقوفات در آن موجود است پرداخت نموده و چه بسا در واقع اجرت عمل عامل را، از موقوفه ای که هیچ اقدامی توسط آن کارمندان برای آن معمول نگردیده تادیه می نمایند؟

۷- در {فصل دوم- ب} دستورات اجرایی: بند ۷: بیان می دارد: «چنانچه در پایان سال مبلغی اضافه و در حساب باقی مانده باشد... در اجرای فصل سوم ( نیت واقف) هزینه گردد.» این بند بدین مفهوم است که بدواً وجوه ۱۳٪ مدیریتی از ۱۰۰٪ عواید کل موقوفات که توسط سازمان برداشت و یا اخذ شده، هزینه می شود و چنانچه در پایان سال، اتفاقاً مبلغی از وجوه متعلقه به موقوفات در حساب تاسیس مفتوحه جدید، باقی ماند ( پس از کسر ذخیره پایان خدمت کارکنان) آن وقت زمان اجرای نیت واقفین و استرداد وجوه متعلقه به آن موقوفات خواهد رسید؟؟ بنابراین نظر مسؤولین سازمان اوقاف بر نظرات واقفین ارجحیت و برتری خواهد یافت که این بدعت مسلماً جایز نخواهد بود.

۸- در {فصل دوم- ب} دستورات اجرایی: بند ۸: سازمان اوقاف، حتی به برداشت یا اخذ میزان ۱۳٪ از موجودی موقوفات اکتفا ننموده و این مجوز شرعی و قانونی را برای خویش قایل شده که بتواند تا ۲٪ علاوه بر ۱۳٪ از موجودی حساب موقوفات برداشت نماید یعنی ۱۵٪.

۹- در {فصل دوم- ب} دستورات اجرایی تبصره: بند ۲: به مواردی که «بایستی» بر اساس ابلاغیه ها و دستورالعملهای سازمان اوقاف از محل وجوه ۱۳٪ مدیریتی به کارکنان به کارگیری شده از محل موقوفات پرداخت گردد اشاره شده از جمله: «هدیه یا پاداش اعیاد اسلامی، اعیاد ملی، روز زن، روز جانباز و...» با مطالعه ای در متن وقفنامه ها یا نگاه به سیره عملی در انجام نیت واقفین، درخواهیم یافت که تقریباً هیچ واقفی به تامین هزینه های سازمان اوقاف یا کارمندان آن اشاره ای نداشته و به فرض که این هزینه ها را هم در قسمت حق التولیه یا حق النظاره، بگنجانیم باز هم که آن تشکیلات از مبحث حق التولیه و حق النظاره مجاز، تعدی نموده و از محل وجوه





تاریخ: ۱۳۸۸

شماره:

پست:

## فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

متعلق به «اجرای نیت واقفین» هزینه می نماید!

۱۰- در {فصل دوم- ب} دستورات هماهنگی بند ۱ و فصل دوم - ج) سوالات بازرسی: بند ۱: بندهای مزبور نیز آمرانه و جبراً اجرای بخشنامه را بر کلیه ادارات کل و شهرستانها و در واقع «موقوفات» بار نموده و با این وصف، به طور کلی و مطلقاً، «اختیار عدم اقدام در صورت منع واقف و تعارض با نظر واقف» را سلب نموده است، اگر چه ممنوعیت موضوع با توجه به قواعد شرعی و قانونی باب وقف، در صورت عدم تصریح واقفین نیز بدهاقت داشت. ملاحظه می فرمایند که با نگاهی کوتاه و اجمالی به مباحث فقهی و قانونی، مجوزی در برداشت بیش از میزان مقرر در وقفنامه و تغییر نظر واقف، وجود ندارد تا اولاً: تبصره ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی اوقاف و ثانیاً: برنامه سه ساله (منتهی به برنامه پنج ساله چهارم) سازمان اوقاف و امور خیریه در خصوص اعمال حساب (۱۳٪ وجوه مدیریتی اوقافی) موضوع بخشنامه شماره ۱۴/۱/۳۲۸۶۹/س-۱۳۸۶/۱۲/۲۸ آن سازمان و ثالثاً: فرم برنامه و بودجه سه ساله (منتهی به برنامه پنج ساله چهارم) سازمان اوقاف و امور خیریه صحیح باشد.

علی هذا به جهات عدیده فوق الذکر:

اولاً: تبصره ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه نیز با وجود نص خود ماده ۳۳ آیین نامه که در فرض فقدان وقفنامه با عدم تعیین حق العمل متولی یا ناظر، آن را به میزان ده درصد تعیین نموده است، ضرورتی در وضع نداشته است اما از آنجا که معنأً متضمن دخل و تصرف در نیت واقف و کسر و اضافه نمودن حق العمل مورد نظر واقف می باشد به دلالت مبانی استدلالی معروض در فوق، در خور ابطال می باشد که به شرح ستون خواسته تقدیمی تقاضای رسیدگی و صدور حکم ابطال را دارد.

ثانیاً: بخشنامه شماره ۱۴/۱/۳۲۸۶۹/س-۱۳۸۶/۱۲/۲۸، برنامه سه ساله و نیز فرم برنامه و بودجه سه ساله (منتهی به برنامه پنج ساله چهارم) سازمان اوقاف و امور خیریه در خصوص اعمال حساب (۱۳ درصد وجوه مدیریتی اوقافی) خلاف قانون تشکیلات اوقاف، آیین نامه اجرایی آن قانون، قانون مدنی، نصوص فقهی و فتاوی مراجع عظام

مدیر دفتر هیئت عمومی  
خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری

## فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

تقلید بوده و از مصادیق اجتهاد در مقابل نص می باشد که اقتضای ابطال دارد. بدیهی است وجوهی نیز که به واسطه ابلاغ این بخشنامه از موقوفات برداشته شده است به دلالت قاعده «استیفای ناروا» می بایست به محل های مربوطه اعاده گردد.

ثالثاً: بدو نیز با عنایت به این که ادامه اجرای بخشنامه مذکور مستلزم اجحاف در حق موقوفات و عسر و حرج و تحریف در نیت واقفین می باشد صدور فوری دستور موقت مبنی بر توقف اجرای بخشنامه شماره ۱۳۸۶/۱۲/۲۸-س/۱۴/۱/۳۲۸۶۹ سازمان اوقاف تا پایان رسیدگی و صدور رأی قطعی را استدعا دارد.

آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به قرار زیر است:

" ماده ۳۳- حق التولیه متولی و یا سازمان در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات و همچنین حق النظاره، ناظر اعم از شخص یا سازمان به میزان مقرر در وقفنامه خواهد بود و در صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن معین نشده باشد حق التولیه به مقدار اجرت المثل معادل ده درصد درآمد خالص سالیانه و حق النظاره به مقدار اجرت المثل معادل پنج درصد همان درآمد خواهد بود.

تبصره ۱- در موارد استثنایی که درصدهای مندرج در این ماده با توجه به وضعیت موقوفه متناسب و متعارف نباشد با تایید سرپرست سازمان کسر یا اضافه می شود.

تبصره ۲- در مواردی که سرپرست سازمان اعمال نظارت اشخاص یا ادارات حج و اوقاف و امور خیریه را در موقوفات غیر متصرفی ضروری تشخیص دهند اجرت المثل حق النظاره را نیز متناسباً تعیین خواهند نمود.

تبصره ۳- درآمد خالص موقوفه برابر هشتاد درصد درآمد کل خواهد بود.

دستورالعمل نحوه اعمال حساب (۱۳٪ مدیریتی اوقافی) برنامه سه ساله موضوع بخشنامه شماره ۱۳۸۶/۱۲/۲۸-س/۱۴/۱/۳۲۸۶۹ به قرار زیر است:

" موضوع: نحوه اعمال حساب (۱۳٪ مدیریتی اوقافی) برنامه سه ساله

فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا  
دادنامه

سلام علیکم

فصل اول: کلیات

الف - مقدمه

با صلوات بر محمد و آل محمد (ص): به منظور مشخص نمودن نحوه اعمال حساب (۱۳٪ مدیریتی) پیش بینی شده در برنامه سه ساله شامل: (۵٪ ذخیره احتیاطی ۵۰٪ درصد برنامه مدیریتی و ۳٪ برنامه های مدیریتی امور اوقافی و خیریه) این دستورالعمل جهت اطلاع و اجرا به کلیه استانهای کشور ابلاغ می گردد.

ب) هدف:

۱- ایجاد وحدت رویه در خصوص نحوه اعمال حساب و درصد اعلام شده

۲- رفع موانع اجرای برنامه سه ساله ابلاغی سازمان به استانها

۳- دستیابی به اهداف و سند چشم انداز سازمان

ج) منظور

۱- رفع شبهات و پاسخ به سوالات استانهای کشور در خصوص چگونگی اقدام در رابطه با سهم (۱۳٪ مدیریتی)

۲- دستیابی به راهکار صحیح و مطمئن در جهت اجرای مفاد برنامه سه ساله سازمان

۳- ایجاد اطمینان خاطر همکاران ذی ربط و بویژه پرسنل قراردادی سازمان از نظر دستیابی به حقوق قانونی خود و فراهم نمودن بستر لازم جهت اجرای دستورالعمل صادره در موضوع رفاهی، خدماتی کارکنان

۴- ایجاد زمینه لازم جهت اجرای عملیات یکنواخت حسابداری در زمینه اجرا و نحوه محاسبه سهم (۱۳٪ مدیریتی)

۵- ارائه راهکار اجرایی لازم به مدیران کل استانها و اعمال مدیریت به منظور اجرای دستورالعملهای ارسالی سازمان

و سایر موارد نیاز مشابه

فصل دوم - اجرا:

جرا

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا  
دادنامه

الف- تدبیر:

با عنایت به ابلاغ برنامه سه ساله و لزوم اجرای مفاد آن و نظر به این که سولاتی در رابطه با نحوه اعمال حساب سهم (۱۳٪ مدیریتی) برای استانها به وجود آمده دستورالعملی جهت حل مشکلات و رفع ابهامات احتمالی تهیه و جهت اقدام لازم ابلاغ گردد.

ب- دستورات اجرایی:

۱- ادارات کل با نظارت و کنترل شخص مدیرکل، اطلاعات لازم را از ادارات شهرستان در رابطه با میزان اعتبار مورد نیاز اخذ نمایند.

۲- اطلاعات اخذ شده بایستی شامل کلیه برنامه های مدیریتی در موضوعات کلی ابلاغ برنامه ( مدیریتی، اوقافی و امور خیریه) مطابق جداول پیوست باشد.

۳- استانها در ابتدای هر سال مبلغ مصوب (۱۳٪) را با عنایت به اطلاعات جمع آوری شده بند ۲ بین موقوفات استان تقسیم و تسهیم و در فصل سوم بودجه فردی پادار نموده و به تدریج یا یکجا با توجه به عواید وصولی موقوفه برداشت و ضمن اقدام بر اساس بند ۲ به حساب هزینه قطعی منظور نمایند.

۴- مبلغ برداشتی در حسابی جداگانه در یکی از بانکهای طرف حساب اوقاف توسط اداره کل استان، به صورت جاری و سپرده کوتاه مدت واریز گردد.

۵- ادارات کل همه ماهه ضمن تنظیم لیست حقوق کارکنان ( دارای مجوز بکارگیری از موقوفات) از حساب مذکور برداشت نمایند.

۶- چنانچه در پایان سال مبلغی اضافه و در حساب باقی مانده باشد ( به جز ذخیره پایان خدمت کارکنان) به حساب موقوفات مورد عمل برگشت داده و در اجرای فصل سوم ( نیت واقف) هزینه گردد.

۷- در صورت عدم تکافوی مبلغ برداشتی (۱۳٪) تا ۲٪ با اخذ مجوز سازمان قابل تغییر و اقدام خواهد بود.

بر ابراصل است



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

۸- اداره کل استانها موظفند برای سیستم مالی حساب مذکور، مشابه حساب عمومی سرفصلهای لازم را پیش بینی و ایجاد نموده و ضمن انجام عملیات حسابداری، تراز کل حساب مذکور را ماهیانه تهیه و نزد خود حفظ و هر شش ماه یک بار نسخه ای از آن را با ضمایم مربوط به ادارات کل بودجه، تشکیلات و آموزش و امور اوقافی ارسال نمایند.

۱۰- تفریح این حساب در پایان هر سال توسط نمایندگان معاونتهای اداری و مالی و امور مجلس و امور اوقافی و خیریه صورت خواهد گرفت.

تبصره:

۱- هر گونه جذب و بکارگیری در طول برنامه سه ساله بایستی بر اساس جداول مصوب نیروی انسانی و با مجوز سازمان انجام گیرد.

۲- مواردی که بایستی بر اساس ابلاغیه ها و دستورالعملهای سازمان به کارکنان بکارگیری شده از محل موقوفات پرداخت گردد مانند:

هدیه یا پاداش اعیاد اسلامی، اعیاد ملی، حق معیشت، روز زن، جانباز، یک ماه حقوق و پاداش پایان سال، اضافه کار و ماموریت مشمول این دستورالعمل می گردد.

ب- دستورات هماهنگی

۱- کلیه استانها بایستی در اجرای این دستورالعمل هماهنگی و همکاری شهرستانهای تابعه را جلب و آنان را در نحوه اقدام آگاه نمایند.

۲- هماهنگی لازم با معاونتهای اداری و مالی و امور مجلس، همچنین امور اوقافی و خیریه با عنایت به بند ۱ دستورات اجرایی ضروری است.

ج- سوالات بازرسی:

۱- آیا شهرستانها در ارائه اطلاعات به استانها همکاری لازم را به عمل آورده اند؟

۲- آیا مراکز استانها در موعد مقرر نسبت به ارائه گزارش و اخذ مجوز اقدام نموده اند؟

۳- آیا مفاد این دستورالعمل به نحو صحیح مورد اجرا قرار گرفته است؟

۴- آیا حساب مربوطه در بانک افتتاح شده است؟

رئیس هیئت مدیره هیئت عمومی

دیوان عدالت اداری

۰۰۰۰/۴۴۰/۱۰/د

نخیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

۵- آیا تفریغ حساب در پایان سال به عمل آمده است؟

۶- آیا تقسیم و تسهیم مبلغ (۱۳٪) با عنایت به درآمد ذکر شده بوده است؟

۷- آیا تراز کل حساب مذکور به صورت ماهیانه تنظیم و هر شش ماه به سازمان مرکزی ارسال شده است؟

در پاسخ به شکایت شاکی، سرپرست دفتر حقوقی و ثبتی سازمان اوقاف و امور خیریه به موجب لایحه شماره

۱۷-۸۹/۵۶۰-۱۳۸۹/۲/۱۳ توضیح داده است که:

" در خصوص شکایت خانم زهرا ارداقی با ملاحظه دادخواست و ضمائم به استحضار می رساند:

از آن جا که: شکایت شاکیه مشتمل بر دو قسمت به شرح زیر می باشد.

الف- ایراد به تبصره های ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه

و تقاضای ابطال آنها

ب- اعتراض به برنامه سه ساله سازمان اوقاف و امور خیریه و بخشنامه شماره ۱۴/۱/۳۲۸۶۹/س-

۱۳۸۶/۱۲/۲۸ و ابطال آنها

لذا پاسخ هر یک از موارد فوق نیز به صورت جداگانه در دو بخش داده می شود:

۱- تبصره های ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی اعتراض و ایراد شاکی در این قسمت مبتنی بر هیچ گونه دلیلی

نیست و فتاوی ضمیمه دادخواست نیز از لحاظ شرعی قابل انطباق با این دو تبصره نمی باشد زیرا:

اولاً: فتاوی مورد استناد در خصوص لزوم رعایت ترتیبی است که واقف در مورد حق التولیه متولی و حق النظاره ناظر

در وقف نامه مقرر داشته است. این موضوع با صراحت در قسمت اول ماده ۳۳ آیین نامه با این عبارت مورد تاکید

قرار گرفته « حق التولیه متولی و یا سازمان در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات و همچنین حق النظاره ناظر اعم از

شخص یا سازمان، به میزان مقرر در وقف نامه خواهد بود....»

ثانیاً: قسمت بعدی ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی در مورد تعیین اجرت المثل ( ده درصد عواید خالص بابت حق التولیه



تاریخ: ۱۳۸۸

شماره:

پست:

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

و پنج درصد عواید خالص بابت حق النظاره) مربوط به مواردی است که «وقف نامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن معین نشده باشد» که این ترتیب استثنایی است و منافاتی با موازین شرعی و فتاویٰ ضمیمه دادخواست ندارد و مغایر با نیت واقف نیست.

ثالثاً: تبصره ۱ ماده ۳۳ نیز راجع به درصدهای موضوع قسمت اخیر همان ماده است که موارد استثنایی را با توجه به وضعیت موقوفه معین و در صورت عدم تناسب و متعارف نبودن قابل کسر یا اضافه شدن آن هم پس از تایید سرپرست سازمان دانسته است.

رابعاً: تبصره ۲ ماده موصوف نیز راجع به مواردی است که در موقوفات غیر متصرفی ناظری از طرف سرپرست سازمان تعیین می شود. فی المثل در صورتی که متولی در مظان تعدی و تفریط باشد. واضح است که ناظر تعیین شده مستحق دریافت اجرت المثل عمل خود خواهد بود.

خامساً: در هر دو تبصره مورد بحث تایید و دخالت سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه پیش بینی شده است و با عنایت به این که طبق تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، سرپرست سازمان مجاز در تصدی اموری است که متوقف بر اذن ولی فیه است لذا در اجرای تبصره های ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه هیچ گونه اشکال و ایراد شرعی متصور نخواهد بود.

بنا به توضیحات معروض، درخواست شکیه در مورد ابطال تبصره های مذکور قابل پذیرش نمی باشد.

۲- برنامه سه ساله و بخشنامه سازمان اوقاف و امور خیریه

قسمت دیگر دادخواست شکیه در خصوص ابطال برنامه سه ساله و بخشنامه شماره ۳۲۸۶۹/۱/۱۴/س-

۱۳۸۶/۱۲/۲۸ سازمان اوقاف و امور خیریه نیز فاقد دلایل متقن شرعی و قانونی است به این توضیح که برنامه و

بخشنامه مورد بحث به منظور تغییر در مفاد وقف نامه ها یا نیت واقفین تصویب و اجرا نشده و منصرف از میزان

حق التولیه و حق النظاره مقرر در وقف نامه ها است بنابراین فتاویٰ ضمیمه دادخواست که راجع به رعایت حق التولیه

بر اجرا اصل است

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

سمازاد  
دیوان عدالت اداری



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا  
دادنامه

تاریخ: ۱۳۸۸

شماره:

پیوست:

متولیان و حق النظاره ناظرین می باشد، ارتباطی با برنامه و بخشنامه مذکور ندارد.

واقعیت اینست که سازمان اوقاف و امور خیریه به منظور انجام یک سلسله امور فراگیر در جهت گسترش فرهنگ وقف و صیانت حقوقی از موجودیت موقوفات و ارائه خدمات متنوع که نتایج آن عاید تمامی موقوفات در سطح کشور می شود، به تنظیم برنامه سه ساله مبادرت و اجرای آن را طی بخشنامه ای به ادارات اوقاف و امور خیریه ابلاغ نموده است و موقوفاتی که برخوردار از این خدمات می شوند منطقاً پرداخت هزینه آن را به عهده دارند.

سازمان اوقاف و امور خیریه در این رابطه هیچ گونه عوایدی برای خود منظور نداشته و میزان حق التولیه موقوفات متصرفی را اضافه نکرده تا از لحاظ شرعی مواجه با ایرادی باشد. بذل توجه مستشاران محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به رئوس و خطوط و موارد مندرج در برنامه سه ساله توضیحات فوق را مدلل می دارد.

با عنایت به مجموع مراتب صدور حکم بر رد شکایت در هر دو قسمت مورد تقاضاست."

در خصوص ادعای شاکی مبنی بر مغایرت مصوبات مورد اعتراض با شرع مقدس اسلام، سوابق در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری به شورای نگهبان قانون اساسی ارسال می شود. قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۳۸۸۱۲/۳۰/۸۹-۱۳۸۹/۴/۹ چنین توضیح داده است:

"موضوع تبصره های ۱ و ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۵، در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۴/۲ فقهای شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهای معظم به شرح زیر اعلام می گردد:

«بادقت در محتوای ماده (۳۳) آیین نامه و تبصره های ۱ و ۲ آن ایراد شرعی بر آنها وارد نیست به همان نحو که در نامه شماره ۸۹/۵۶۰۱۷-۱۳۸۹/۲/۱۳ سرپرست دفتر حقوقی و ثبتی سازمان اوقاف توضیح داده شده است.

اما نسبت به اخذ ۱۳ درصد مدیریتی:

۱- اخذ حق ۱۳ درصد مدیریتی و در رابطه با آن بخشنامه شماره ۳۲۸۶۹/۱/۱۴/س-۱۳۸۶/۱۲/۲۸ خلاف

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری



## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

موازن شرع می باشد.

۲- متفرع بر آن وجوهی که به عنوان ۱۳ درصد مذکور اخذ شده است خلاف موازین شرع بوده و می بایست به حساب عواید موقوفات مزبور واریز و برگردانده شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف- نظر به این که در خصوص تقاضای ابطال تبصره ۲ ماده ۳۳ آیین نامه اجرائی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه و همچنین بخشنامه شماره ۱۳۲۸۶۹/۱/۱۴/۳-۱۳۸۶/۲/۲۸ معاون اداری، مالی و امور مجلس سازمان اوقاف و امور خیریه، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری سابقاً به ترتیب به موجب دادنامه های شماره ۲۵۰-۲۴۹-۱۳۹۰/۶/۲۱ و ۲۹۰ الی ۲۸۷-۱۳۹۰/۷/۱۸ اتخاذ تصمیم کرده است، بنابراین شکایت شاکی در قسمتهای یاد شده مشمول دادنامه های فوق الذکر تشخیص داده می شود و موجبی برای رسیدگی و صدور رأی مجدد وجود ندارد.

ب- به موجب ماده ۱۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۳ مقرر شده است که حق التولیه متولی و یا سازمان و همچنین حق النظاره به میزان مقرر در وقف نامه است و در صورتی که وقف نامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد، حق التولیه به مقدار اجرت المثل از عایدات خالص خواهد بود. نظر به این که مقدار اجرت المثل بر مبنای عمل عامل تعیین

می شود و نیز بر اساس وضعیت موقوفه

بر اساس وضعیت موقوفه  
دیوان عدالت اداری  
تعمیرات  
تعمیرات  
تعمیرات



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا  
دادنامه

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

موجب آن به سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه اختیار داده شده است در موارد استثنایی درصدهای مندرج در ماده ۳۳ را متناسب با وضعیت موقوفه تعیین نماید، مغایر قانون و از حدود اختیارات مرجع وضع مصوبه خارج است و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ابطال می شود./

محمد جعفر منتظری

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

بر ابراهیل است

مدیر دفتر هیئت عمومی

دیوان عدالت اداری

تهران ۹۰۰۰۰

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری